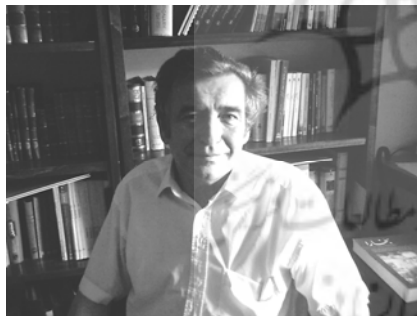


فولکلور از پاریس تا گیلان (مصاحبه با دکتر کریستیان برومبِرژه)^۱

تهیه و تنظیم: فاطمه شعبانی اصل^۲

چکیده



مصاحبه حاضر به موضوع فولکلور از دیدگاه آقای دکتر برومبِرژه، متخصص انسان‌شناسی و رئیس انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، می‌پردازد و هدف از آن، آشنایی بیشتر خوانندگان با موضوع‌هایی چون تعریف «فولکلور»، کارکردها، ویژگی‌های آن، رویکرد سنتی و مدرن به «فولکلور»، تفریح، جشن‌ها و... است.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه اکس آن پرووانس فرانسه، رئیس انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران
۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی، پژوهشگر واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما

مقدمه

کریستیان برومبِرژه (متولد ۱۹۴۷) پس از تحصیل در حوزه ادبیات فرانسه (زبان‌های باستانی) در رشته مردم‌شناسی تخصص گرفت. او در دانشگاه اکس - آن - پروواس به تدریس این رشته پرداخت و در همان‌جا ریاست انجمن مردم‌شناسی تطبیقی نواحی مدیترانه (وابسته به مرکز ملی پژوهش‌های علمی CNRS) را به عهده گرفت. تحقیقات او که در بیش از ۱۷۰ اثر منتشر شده، به این قرار است:

اطلس مردم‌نگاری گیلان، تکنیک و تکنولوژی، تفریح و سرگرمی‌ها در دوران معاصر، جایگاه اشیاء در جوامع امروزی، ابعاد انسان‌شناختی ورزش فوتبال، هویت‌های قومی و منطقه‌ای و ملی، و... از جمله کارهای اوست. ایشان پژوهش‌هایی نیز در مورد نواحی اطراف مدیترانه و رفتار اجتماعی و فرهنگی مربوط به آرایش مو (موضوعی که رویارویی جوامع مختلف را مطرح می‌کند) و مطالعاتی را در زمینه انسان‌شناسی مسکن و معماری، تحولات زندگی روستایی گیلان (تأثیر اخیر جامعه ایران بر روی این قوم) و در نهایت فولکلور انجام داده است. از این رو مصاحبه‌ای با ایشان صورت داده‌ایم که در ذیل آمده است:

فرهنگ مردم - جناب آقای دکتر برومبِرژه امروز خدمتتان رسیدیم تا در زمینه مطالعات «فولکلوریک» با هم به صحبت بنشینیم. همان‌گونه که در جریان هستید، محور مطالعات «فولکلوریک» واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما، فرهنگ عامه از دیدگاه مردم‌شناسی و انسان‌شناسی است. از این جهت جنابعالی بفرمایید «فولکلور» به چه معنی است و بیشترین پژوهش در این زمینه مربوط به چه کسی است؟

دکتر برومبِرژه - در ابتدا لازم است به تعریفی که آنتونی گرامشی، فیلسوف و متفکر ایتالیایی از «فولکلور» داشته است، اشاره کنم. وی می‌گوید: «فولکلور به معنی اجتماع یا مجموعه و انباشته‌ای غیر قابل هضم، به عبارتی مجموعه برداشت‌های ما از دنیا از آغاز تاریخ بشر است که در پی هم آمده‌اند». البته من با صفت «غیر قابل هضم» موافق نیستم، زیرا از نظر گرامشی خصوصیت «فولکلور» این‌گونه است که سعی دارد اموری را که به هم ربطی ندارند و خیلی پراکنده هستند، در یکجا جمع کند، شاید به همین

دلیل هم ویژگی «غیرقابل هضم» را برای آن به کار می‌برد. جا دارد اشاره کنم که چرا گرامشی به «فولکلور» علاقه‌مند شد. وی دبیر حزب «کمونیسم» ایتالیا بود و همیشه دوست داشت به نوعی جمعیت جنوب ایتالیا را که مردم آن خیلی به سنت‌ها پایبند بودند، با حزب کمونیسم آشتی دهد، زیرا در این «ایدئولوژی» هیچ «فولکلوری» وجود نداشت و او می‌خواست از این طریق به حفظ این میراث کمک کند.

و اما «فولکلور» واژه‌ای است که در سال ۱۸۴۳ م. رواج یافته است. این واژه از دو جزء «folk» و «lore» ترکیب یافته است که به معنی دانش مربوط به مردم و دانش مردمی است. شایان ذکر است در قرن ۱۹ «رمانتیک»ها توجه خاصی به مردم داشتند. حال اگر بخواهیم تعریف علمی‌تری از «فولکلور» ارائه بدهیم، باید بگوییم مجموعه‌ای از اعتقادات، آیین‌ها و رسوم که از سوی مردم تولید می‌شود و به صورت شفاهی منتقل می‌شود. در «فولکلور» اصولاً یک ایده سنتی وجود دارد که این ایده پیوسته در طول تاریخ به صورت شفاهی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. در واقع می‌توان گفت «فولکلور» در برابر فرهنگ دانشمندان قرار می‌گیرد.

فرهنگ مردم - آیا فولکلور نوعی مقابله با بحث‌های غالب آن دوره نبود؟

دکتر برومبوزه - اگر به سخن گرامشی استناد کنیم، باید بگوییم «فولکلور» به معنی فرهنگ طبقات پایین دست جامعه است، البته کمی تقابلی پیچیده‌ای نیز وجود دارد «فولکلور» عواملی را از فرهنگ دانشمندان می‌گیرد و بعد آنها را مردمی می‌کند برای مثال، دو عنصر گرمی و سردی (گرمی کردن یا سردی کردن) از فرهنگ خردمندان گرفته شده است، مثلاً از طلب بقراط یا بوعلی سینا مزاج‌ها که شالوده پزشکی برپایه آنها بنیان گذاشته شده است که در حال حاضر مردمی شده است و در اصطلاحات روزمره می‌توان آنها را دید.

به لحاظ روش شناختی نیز باید گفت، اولین روش برای مطالعه «فولکلور» تلاش برای پیدا کردن و یافتن منشاء بود. در کشوری چون ایران و یونان که دارای تمدنی طولانی هستند، اصولاً سعی می‌شد منشاء را در عصر باستان پیدا کنند به این معنی که به دنبال اصل و ریشه بگردند. این گرایش در اروپا هم زیاد بود. از جمله در آلمان یا

فرانسه زمانی که دنبال اصل و منشاء «فولکلور» می‌گشتند، در فرانسه به دنبال اعقاب سلت بودند و در آلمان به دنبال ژرمن‌ها. از اولین پرسشنامه‌هایی که در زمینه «فولکلور» در قرن ۱۹ به دست آمده است، پی می‌بریم که آنها نیز در جستجوی نیاکانشان بودند تا بتوانند آن را با آیین زمان باستان مقایسه کنند و در نهایت بگویند که مثلاً این آیین از آن نسل به ما رسیده است.

دومین گرایش، تلاش برای یافتن یک پدیده جهان شمول است؛ یعنی فلان موضوع یا پدیده در تخیل جمعی چگونه است و منشاء آن چیست. مثلاً فلان آیین در تخیل کل بشریت چگونه است. بعد با مقایسه‌ای که با زمان قدیم صورت می‌دهیم ببینیم آیا این آیین نزد همه وجود دارد و به چه نحوی است. در این باره الیاده، بحث روان‌شناسی جمعی را مطرح می‌سازد یا یونگ روانکاری را عنوان می‌کند.

گرایش سوم، یافتن جایگاه «فولکلور» در متن یک جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی است. مثل بررسی این که یک اعتقاد در عملکرد یک جامعه در یک مقطع زمانی چه اثری دارد و چه نقشی را بازی می‌کند. مثلاً آیین سیزده بدر چه نقشی در فرهنگ عامه دارد، که باید آن را در زمان معین در متن جامعه بررسی کرد.

چهارمین گرایش، پرسش درباره معناها و مفاهیم «فولکلور» در دیدگاهی ساختار گرایانه است. زیرا در این روش امکان درک و دریافت معانی و مفاهیم پدیده‌ها وجود دارد.

این پرسش‌ها نوعی جهان‌بینی را مطرح می‌کند که به محقق امکان می‌دهد پاسخ‌های مناسبی برای آن پیدا کند و در هر صورت نشان می‌دهد که برای مثال چرا من مریض هستم و دیگری نیست و شاید‌هایی در کنار آن پدید می‌آید یا مثلاً گاهی کشاورز از خود می‌پرسد چرا محصول امسال بد بود، شاید نوع مراسم را خوب انجام نداده‌ایم. بنابراین، شکلی از علم و دانش پدید می‌آید که به هر حال پاسخ سؤال را می‌دهد و توضیحی پیدا می‌کند.

فرهنگ مردم - آیا فولکلور شناس باید با سؤال خاصی وارد میدان تحقیق شود؟
دکتر برومبِرژه - آنچه باید برای «فولکلوریست» مطرح باشد این است که بداند «فولکلور» به چه درد جامعه می‌خورد و جایگاه «فولکلور» در اجتماع چیست و مردم

چگونه با «فولکلور» ارتباط برقرار می‌کنند و از آن سود می‌برند. سؤال جالب این است که بدانیم مردم چگونه با «فولکلور» زندگی می‌کنند. «فولکلور» شناس باید سعی کند این معنا را دریابد و بفهمد. او باید بداند که این ثروت عظیم بشری یعنی همان سنت‌ها و آیین‌ها، چه با نوشتن چه با جمع‌آوری اشیاء (درست مانند کارهایی که در واحد فرهنگ مردم صدا و سیما انجام می‌شود) چه می‌باشند.

فرهنگ مردم - لطفاً تفاوت بین رویکرد سنتی و مدرن را در مطالعات فولکلورشناسی توضیح دهید؟

دکتر برومبژه - در رویکرد سنتی فقط به جمع‌آوری مطالب و در نهایت پیدا کردن منشاء آن مطلب توجه می‌شد، اما در روش مدرن باید بدانیم نقش آن عنصر «فولکلوریک» در جامعه و در متن اجتماع خود و مفاهیم آنها در جوامع دیگر چگونه است. مثلاً وقتی پژوهشگر به دنبال آن است تا دریابد یک آیین در گذشته چگونه بوده و ریشه آن کدام است، رویکرد سنتی به آن عنصر است حال آنکه در رویکرد مدرن به تحلیل معانی آن می‌پردازیم و اینکه در هر مقطع زمانی چه معنایی پیدا می‌کند. با چنین رویکردی است که پی می‌بریم «فولکلور» چگونه با مردم زندگی می‌کند.

فرهنگ مردم - لطفاً بفرمایید به نظر شما روش انجام تحقیقات فرهنگ عامه چگونه باید باشد؟

دکتر برومبژه - می‌توانم بگویم یک تحقیق فرهنگ عامه می‌تواند با دو روش صورت بگیرد. روش اول که در نیمه اول قرن بیستم در فرانسه باب بود و جلوه‌های آن را در ایران و ایتالیا و آلمان نیز می‌توان مشاهده کرد، روش میدانی غیرمستقیم است. فردی که این روش را ابداع یا به این روش فعالیت کرد، وان ژنپ (Van genep) بود. وی در «راهنمای فولکلور فرانسه معاصر» که آن را در ۹ جلد از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۸ منتشر کرد، در تحقیقات مردم‌نگاری خویش به صورت مستقیم وارد میدان تحقیق نمی‌شد، بلکه از طریق نامه‌ها و پرسشنامه‌هایی که برای افراد یا آموزش و پرورش‌های دولتی می‌فرستاد، به جمع‌آوری مطالب می‌پرداخت و سپس آنها را تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌کرد. وی در تحقیقات خود در پی به دست آوردن شباهت‌هایی نظیر فصول

سال، مراسم تقویمی و مناسک گذار بود. یکی از نقاط مثبت این روش آن بود که آن واحد اطلاعات زیادی را در اختیار محقق می گذاشت و او می توانست به تطبیق آنها بپردازد و عناصر مشترک و غیرمشترک آنها را مشخص کند. البته نقطه ضعف این روش هم این است که زمانی که راوی متنی را می نویسد، اگر از آن اطلاع کافی نداشته باشد، آن را بزرگ نمایی می کند. برای مثال در شب عید کریسمس در فرانسه، سیزده نوع دسر و خوراکی آماده می کنند که البته در طبقات مختلف این مقدار متفاوت است، اما اگر فردی این مقدار را دیده باشد، می گوید همه، این مراسم را دارند، حال آنکه در طبقات مختلف جامعه فرق دارد. بنابراین باید راویان را تعلیم داد تا بتوانند وقایع را آن گونه که هست، بنویسند. در کل می توان گفت این روش مدنظر برادران گریم در آلمان و سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در تهران بود.

در روش دیگر که از سال ۱۹۵۰ به بعد باب شد، رفتن به میدان تحقیق مورد توجه بود. یعنی خود محقق می بایست در میدان حضور داشته باشد و به مشاهده و مصاحبه بپردازد. این روش را لورانس وایلی (Laurence Wylei) آمریکایی بنیانگذاری کرد. وی به تمام دهکده های وکلوز (Vaucluse) در جنوب فرانسه می رفت و در زمینه های گوناگونی تحقیق می کرد.

شاید بتوان گفت که در تحقیقات فرهنگ عامه می توان تلفیقی از هر دو روش را مورد استفاده قرار داد.

فرهنگ مردم - به نظر شما میدان تحقیق باید از چه ویژگی هایی برخوردار باشد؟
دکتر برومبوزه - بهتر است یک محقق در چند میدان کار کند و از این طریق عناصر مشترک فرهنگی در مورد موضوعات خاص را بیابد. حسن این کار این است که به محقق می آموزد که مسائل نسبی هستند و هیچ مطلقی وجود ندارد. در غیر این صورت امکان دارد همه چیز را در همان یک نقطه خلاصه کند و این مناسب نیست. برای مثال من تحقیقی در زمینه پرورش کرم ابریشم داشتم. میدان تحقیق در قسمت شمالی کشور ایران و بخش جنوبی کشور فرانسه بود که در هر دو جا به آن رسم نوغان داری می گفتند. با مشاهده این مراسم دریافتم که در فرانسه این کار از سوی زنان انجام

می‌شود و در گیلان، کار نیمی مردانه و نیمی زنانه است. ممکن است محقق با مشاهده این وضعیت از خود بپرسد چرا در فرانسه کار صرفاً زنانه است و در ایران هم زنان و هم مردان در مراسم دخالت دارند، به دنبال آن می‌توان رابطه‌ای را که بین فن نوغان‌داری و جنسیت است مشاهده کرد. بنابراین یک محقق ابتدا به مشاهده و توصیف می‌پردازد و سپس بُعد نمادین آن را درمی‌یابد.

فرهنگ مردم - جناب آقای دکتر گفتید برای پرورش کرم ابریشم سؤالاتی بعد از مشاهده و توصیف پیش آمد. که چرا کار در فرانسه از سوی یک جنس (زنان) انجام می‌شود و در ایران هر دو جنس زنان و مردان در آن دخالت دارند، پاسخ‌هایی که به آن رسیدید، چه بودند؟

دکتر برومبِرژه - پاسخ‌های متعددی می‌توان به این پرسش داد مانند اینکه در شمال ایران جنبه اقتصادی این کار بیشتر مدنظر است؛ زیرا تا قبل از قرن بیستم یکی از منابع اقتصادی مردم پرورش کرم ابریشم بود. بنابراین، این فن در اقتصاد خانواده نقش اساسی داشت پس ضروری بود مردان در آن دخالت داشته باشند و از قرن بیستم به بعد که تولید برنج در گیلان آغاز شد، این فعالیت در بین مردان کمرنگ‌تر شد. پاسخ دیگر آن است که در گیلان تمام کارهای عمودی مثل بالا رفتن و... که به نیروی بازوی بیشتری احتیاج دارد، یعنی نقش اندام در آن مهم است، کار مردانه به شمار می‌رود و چون محل و مکان کرم ابریشم بالای درخت است، پس مردان در آن دخالت دارند، اما مرحله‌ای که زنان در آن دخالت دارند آن است که کرم‌ها را روی سینه خود قرار می‌دهند تا رشد کنند یا به مکان دیگری می‌برند و این کاملاً نمادین است، از آن جهت که بعد مادرانه نمایان می‌شود و زنانگی در آن تأثیر دارد. حال عنصر مشترکی که در این فن، در بین دو کشور وجود دارد آن است که زنان در دوران قاعدگی حق ندارند به محل تجمع پرورش کرم ابریشم نزدیک شوند و رفتن آنها به آنجا تابو^۱ است. یکی از دلایل آن هم این است که با رفتن آنها رنگ پيله‌ها قرمز می‌شود. همچنین مردم

اسطوره‌هایی برای پيله كرم ابريشم دارند كه چگونه به وجود آمده است و... كه هر کدام از اين موارد جاي بحث دارد.

فرهنگ مردم - شما در رابطه با فرهنگ عامه گيلان به چه موضوعات ديگري پرداخته‌ايد؟

دكتور برومبژه - در كل، كار تحقيقاتي من در گيلان مربوط به وضع معماری و مسكن، جايگاه قابل توجه درخت، گاونر، تخم مرغ، آشپزي، چگونگي برپايي آيين و مراسم خاص كشاورزي، آب و آبياري و «فولكلور» محلي بوده است.

فرهنگ مردم - لطف مي‌كنيد به صورت خلاصه مواردی را در زمينه «فولكلور» گيلان بيان كنيد؟ مثلاً بفرماييد «فولكلور» گيلان از چه عناصری برخوردار است؟

دكتور برومبژه - در رابطه با درختان مي‌توانم بگويم درختان در فرهنگ گيلان از اهميت خاصي برخوردارند. چنان كه بعضی از اين درختان مقدس، بزرگوار، پير و يا آقادر ناميده مي‌شوند. حتي امروزه پيرزنان معتقدند كه قطع درختان آزاد، توهين به مقدسات است. در فرهنگ عامه گيلان چهار بازی به چشم مي‌خورد كه نماد هويت بومي و محلي محسوب مي‌شود. اين چهار بازی عبارتند از: مرغانه جنگ، لافن بازی يا همان بندبازی، كشتی گيلامردی يا كشتی گيلانی و ورزا جنگ كه نوعی بازی مربوط به حيوانات است. در اين بازی نمايشی محلي، «ورزا جنگ»، مسابقه ميان گاوهای نر است. ورزا جنگ ارتقای شخصيت را سبب مي‌شود و حضار با شور و شوق و حتي با خشونت از آن حمايت مي‌کنند: قهرمان مسابقه، نماد افتخار روستا خواهد بود و يك گاو نر خوب هم نماد و بعد مكمل مردانگی است گاوهای بی قواره به دليل نداشتن حس تهاجمی مورد تمسخر قرار مي‌گیرند و در زندگي واقعي طرد مي‌شوند. ضمن آنكه ضرب‌المثلي نیز درباره افراد به هيچان آمده وجود دارد كه مي‌گویند: «به شاخ‌های تو سير ماليدند و تو را به ميدان فرستادند». يا مرغانه جنگ نوعی بازی است كه بين دو تخم مرغ انجام مي‌شود. در اين بازی، تخم مرغی موفق است كه در مقابل ضربه رقيب مقاومت كند. هر کدام از اين بازی‌ها و آيين‌ها جاي تحقيقات و بحث و گفتگو دارند.

در مورد آيين گذار شگون و بدشگونی هم تحقيقاتی داشته‌ام، اما آنچه برای من

خیلی جالب بود و به نظرم دارد کم کم رو به فراموشی گذاشته می شود، آیین هایی است که در ارتباط با کشاورزی و دامداری است این آیین ها و مناسک ریشه در قواعدی دارند و در آنها باورهایی را می توان تجسم کرد که براساس آن می توان به درک جامعه و جهان و جایگاه انسان رسید. این آیین ها نشان می دهند که در پی هر عملی که از افراد سر می زند، پیامدی وجود دارد و به عبارتی می توان گفت جهان بر قانون علت و معلولی استوار است و همه اقداماتی که مبتنی بر محاسبه است، ریشه ایمانی دارند. پس شناخت این عناصر بسیار مهم است؛ مثل مراحل کاشت، داشت، برداشت و اینکه مردم چه اعتقادی دارند، چه فعالیت هایی انجام می دهند و این آیین ها و مراسم در زندگی روزمره افراد چه نقشی را ایفا می کنند. در مراحل کشت مشاهده می کنیم که تقدیر و قضا و قدر چقدر مهم است. مردم چگونه با مراسم و آیین های خاص خود می خواهند آن نیاز و هدفشان را برآورده کنند، یعنی نیرویی ماورایی را مهار کنند و کاری کنند با آن نیایش، مراسم و آیین آن اتفاقی پیش آید که مطلوب آنها است.

فرهنگ مردم - از تحقیقاتی که در حال حاضر انجام می دهید، بفرمایید؟

دکتر برومبوزه - تا مدت ها فوتبال موضوع مورد علاقه من بود، زیرا استادیوم ها مکانهای فوق العاده ای برای مشاهده رفتار افراد - چه بازیکنان و چه طرفداران - هستند. در این میان نیز «فولکلور» در عصر معاصر پا به میدان می گذارد؛ یعنی اشعاری که برای ورزش خوانده می شود، یا لباس های قرمز و آبی. در اروپا استادیوم را تامب یا معبد می خوانند، زیرا در آنجا می توان قبل و بعد از مراسم شاهد نیایش هایی بود که هر قوم و مذهبی براساس باورهای خود به آن می پردازد. در این نیایش ها می توان جنبه های هویتی زندگی اجتماعی و مذهبی را دید.

امروزه فوتبال تصویری از صحنه زندگی معاصر است، زیرا در آن توان فرد وجود دارد؛ تقدیر و قضا و قدر که توپ و پا باید با هم هماهنگ شوند، هست؛ اقبال و شانس و بخت وجود دارد؛ استادیوم، مکانی است که عدل و داد در آن حاکم است و داور سمبل آن به شمار می رود؛ بازیکن باید هوش و ذکاوت داشته باشد تا موفق شود؛ همبستگی گروهی در آن نقش اساسی دارد و در نهایت هویت قومی، محلی و ملی در

آن مطرح است و در کل فوتبال آئینه جامعه معاصر است که همه چیز در آن یافت می شود، حتی باید دید مدل موه‌های بازیکنان به چه طریقی انتخاب می شود و نمود چه چیز است و اینکه نقش مو در فرهنگ دینی و اجتماعی مردم خاورمیانه چگونه است. فرهنگ مردم - با تشکر از شما و مترجم محترم سرکار خانم همپارتیان.

